



Investigating the Development of the DSGE Model in Iran in Order to Increase the Resilience of the Country's Financial System by Minimizing the Spillover Effects of Currency Shocks

Seyed Eisa Norouzi¹, Mohsen Zayande Roodi^{2*}, Rajabali Raeispour³

1 Ph.D. Student of International Economics, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran

2. Associate Professor of Economics Department, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran

3. Assistant Professor of Economics Department, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 589-608

Article history:

Received: 2 Apr 2024

Edition: 25 May 2024

Accepted: 13 Aug 2024

Published online: 5 May 2024

Keywords:

modeling, resistance, financial system, country, flow, foreign trade, DSGE general equilibrium

Corresponding Author:

Mohsen Zayande Roodi

Address:

Iran, Kerman, Islamic Azad University, Kerman Branch, Economics Department.

Orchid Code:

0000-0001-8109-0455

Tel:

Email:

M_roody2000@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: The purpose of this research is to model the resistance of the country's financial system with the flow of foreign trade (with DSGE general equilibrium approach).

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used to collect materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: The findings showed that the structure of dynamic stochastic general equilibrium (DSGE) models, like other general equilibrium models, is built with the aim of describing the behavior of the entire economy and applying the analysis of the interactions of micro-decisions at different levels. The decisions that are considered in most stochastic dynamic general equilibrium models are related to macro quantities studied in economics. In recent years, non-oil exports have gained a high position and priority in the country. Wider trade with the world is not only effective in the economic prosperity of the country and the improvement of people's well-being.

Conclusion: The result is that for the development of foreign trade, in addition to the basic investment to improve the export capacity, fundamental goals and foundation to solve the problems and shortcomings of each field are very important.

Cite this article as:

Norouzi SE, Zayande Roodi M, Raeispour RA. Investigating the Development of the DSGE Model in Iran in Order to Increase the Resilience of the Country's Financial System by Minimizing the Spillover Effects of Currency Shocks. *Economic Jurisprudence Studies*. 2024.



بررسی توسعه مدل DSGE در ایران و افزایش مقاومت نظام مالی با حداقل سازی سرریز شوک ارزی

سیدعیسی نوروزی^۱، محسن زاینده‌رودی^{۲*}، رجبعلی رئیس‌پور^۳

۱. دانشجوی دکتری علوم اقتصاد بین‌الملل، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

۲. دانشیار گروه اقتصاد، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

۳. استادیار گروه اقتصاد، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: هدف از این تحقیق مدل‌سازی مقاومت نظام مالی کشور با جریان تجارت خارجی (با رویکرد تعادل عمومی DSGE) می‌باشد.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد ساختار مدل‌های تعادل عمومی پویای تصادفی (DSGE) مانند دیگر مدل‌های تعادل عمومی، با هدف توصیف رفتار کل اقتصاد و به‌کارگیری تحلیل تعاملات تصمیمات خرد در سطوح مختلف بنا شده است. تصمیماتی که در اغلب مدل‌های تعادل عمومی پویای تصادفی مد نظر قرار می‌گیرد، در ارتباط با کمیت‌های کلان مورد مطالعه در اقتصاد می‌باشد. در سال‌های اخیر صادرات غیر نفتی جایگاه و اولویت بالایی در کشور یافته است. تجارت گسترده‌تر با جهان نه تنها در شکوفایی اقتصادی کشور و ارتقای رفاه مردم مؤثر است؛ بلکه از طریق زمینه‌سازی برای تحکیم روابط دوستانه و مبتنی بر منافع متقابل با طرف‌های تجاری گسترده کشور به حفظ ارتباطات بین‌المللی و ثبات و پایداری مناسبات اقتصادی و سیاسی نیز کمک می‌کند.

نتیجه: برای توسعه تجارت خارجی، علاوه بر سرمایه‌گذاری اساسی جهت ارتقای ظرفیت‌های صادراتی، هدف‌گذاری‌های اصولی و زمینه‌سازی برای رفع مشکلات و کاستی‌های هر حوزه واجد اهمیت زیادی است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۸۹-۶۰۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۴

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۱۵

واژگان کلیدی:

مدل‌سازی، مقاومت، نظام مالی، کشور، جریان، تجارت خارجی، تعادل عمومی DSGE

نویسنده مسئول:

محسن زاینده‌رودی

آدرس پستی:

ایران، کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

کرمان، گروه اقتصاد.

کد ارکید:

0000-0001-8109-0455

تلفن:

پست الکترونیک:

M_roody2000@yahoo.com

۱. مقدمه

تحقیق ایشان نشان داد که درجه باز بودن تجاری دارای اثر مثبت بر توسعه مالی و اثر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو گروه دی هشت است. همچنین مشخص شد که درجه باز بودن مالی تأثیری بر رشد اقتصادی در این کشورها ندارد. احمد جعفری صمیمی و همکاران (۱۳۸۹) با استفاده از روش خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) به بررسی تأثیر هم‌زمان متغیرهای توسعه مالی و آزادی تجاری بر رشد اقتصادی در ایران پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده از مطالعه ایشان نشان می‌دهد که تأثیر متغیر نسبت حجم نقدینگی به تولید ناخالص داخلی به‌عنوان شاخص توسعه مالی، بر تولید ناخالص داخلی ایران مثبت و معنی‌دار بوده و متغیر آزادسازی تجاری نیز بر تولید ناخالص داخلی ایران تاثیر مثبت و معنی‌داری داشته است. متغیر سپرده‌های دیداری بانک‌ها نزد بانک مرکزی نیز دارای تأثیر جزئی بر تولید ناخالص داخلی ایران بوده و به لحاظ آماری نیز معنی‌دار نمی‌باشد. نتایج آزمون علیت نیز حاکی از وجود رابطه علیت از سمت واردات و صادرات به سوی سوی تولید ناخالص داخلی است. تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به سایر پژوهش‌های انجام‌شده این است که در این مقاله، به بررسی توسعه مدل DSGE در ایران در راستای افزایش مقاومت نظام مالی کشور با حداقل‌سازی اثرات سرریز شوک ارزی پرداخته می‌شود. بنابر این هدف از این تحقیق مدل سازی مقاومت نظام مالی کشور با جریان تجارت خارجی (با رویکرد تعادل عمومی DSGE) می‌باشد و در پاسخ به این سوال اصلی هستیم که آیا مدل سازی مقاومت نظام مالی کشور با جریان تجارت خارجی (با رویکرد تعادل عمومی DSGE) باعث

ظهور یک گروه از کشورها با مسیرهای رشد مشابه و افزایش فزاینده واگرایی بین عملکرد رشد گروه‌های مختلف از کشورها باعث علاقه روزافزون به بررسی اثر سیستم مالی بر فرآیند رشد اقتصادی در نوشتارها در سطح بین‌المللی گردیده است. به‌طور کلی، دو نظر کاملاً متفاوت در مورد رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی وجود دارد. دیدگاه اول بیان می‌دارد نه تنها توسعه و آزادسازی مالی هیچ کمکی به رشد اقتصادی نمی‌کند، بلکه برای رسیدن به رشد اقتصادی باید سرکوب مالی و تعیین سقف نرخ بهره به اجرا گذاشته شود. از جمله حامیان این دیدگاه، اقتصاددانان طرفدار مکتب کینز می‌باشند. دیدگاه دوم بر وجود رابطه هم‌سو بین توسعه بخش مالی و رشد اقتصادی تأکید دارد. طرفداران این دیدگاه جهت علیت اثرگذاری را از سمت توسعه مالی به سمت رشد اقتصادی می‌دانند.

کریستوپولوس (۲۰۲۲)، در مقاله‌ای به بررسی رابطه بلندمدت بین تعمیق مالی و رشد اقتصادی پرداخته است. وی وضعیت ده کشور در حال توسعه را با استفاده از تکنیک پانل دیتا مورد بررسی قرار داد. نتایج تحقیق وی نشان‌دهنده یک رابطه علی قوی بلندمدت از توسعه مالی به سوی رشد اقتصادی است؛ ولی ارتباط دو سویه‌ای بین آن‌ها یافت نشد. محمد راستی (۱۳۹۹)، در مطالعه‌ای با استفاده از روش پانل دیتا و حداقل مربعات معمولی، به بررسی آثار درجه باز بودن تجاری و مالی بر وضعیت عملکردهای اقتصادی در هر دو بخش واقعی و مالی کشورهای عضو گروه دی هشت پرداخته است. دوره زمانی مورد مطالعه شامل سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۸۱ می‌باشد. نتایج

اقتصادی کشور و ارتقای رفاه مردم مؤثر است؛ بلکه از طریق زمینه سازی برای تحکیم روابط دوستانه و مبتنی بر منافع متقابل با طرف های تجاری گسترده کشور، به حفظ ارتباطات بین المللی و ثبات و پایداری مناسبات اقتصادی و سیاسی نیز کمک می کند.

۵. بحث

۵-۱. تعادل عمومی پویای تصادفی مدل سازی (مدل DSGE)

«تعادل عمومی پویای تصادفی مدل سازی (به اختصار DSGE یا گاهی SDGE یا DGE) شاخه ای از نظریه تعادل عمومی کاربردی است که در اقتصاد کلان معاصر تأثیر زیادی گذاشته است DSGE . تلاش می کند تا برای کل پدیده های اقتصادی مانند رشد اقتصادی، چرخه کسب و کار و اثرات سیاست پولی و سیاست مالی بر اساس مدل اقتصاد کلان که از اصول اقتصاد خرد گرفته شده است، توضیحی پیدا کند» (توار، ۲۰۰۹، ۱۶). اگرچه تأثیرات سیاست های جایگزین با کمک مدل های تعادل عمومی پویای تصادفی مطالعه می شود. «تعادل عمومی پویای تصادفی مدل سازی شاخه ای از نظریه تعادل عمومی کاربردی است که در اقتصاد کلان معاصر تأثیر زیادی گذاشته است. تعادل عمومی پویای تصادفی مدل سازی تلاش می کند تا برای کل پدیده های اقتصادی مانند رشد اقتصادی، چرخه کسب و کار و اثرات سیاست پولی و سیاست مالی بر اساس مدل اقتصاد کلان که از اصول اقتصاد خرد گرفته شده است، توضیحی پیدا کند. در حالی که مدل های سنتی پیش بینی اقتصاد کلان در برابر نقد لوکاس آسیب پذیر هستند (که ادعا می کند اثرات

اقتصاد رو به رشد می گردد؟ فرضیه مقاله نیز عبارت است از اینکه: «توسعه تجارت خارجی، لازمه ارتقای ظرفیت های صادراتی و هدف گذاری های اصولی است». به منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره، ابتدا تعادل عمومی پویای تصادفی مدل سازی (مدل DSGE) بررسی شده و در ادامه از طراحی مدل DSGE برای اقتصاد ایران بحث شده است.

بررسی توسعه مدل DSGE در ایران در راستای افزایش مقاومت نظام مالی کشور با حداقل سازی اثرات سرریز شوک ارزی.

۲. مواد و روش ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده ها نیز کیفی است و از فیش برداری در گردآوری مطالب و داده ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت داری رعایت شده است.

۴. یافته ها

یافته ها نشان داد ساختار مدل های تعادل عمومی پویای تصادفی (DSGE) مانند دیگر مدل های تعادل عمومی، با هدف توصیف رفتار کل اقتصاد و به کارگیری تحلیل تعاملات تصمیمات خرد در سطوح مختلف بنا شده است. تصمیماتی که در اغلب مدل های تعادل عمومی پویای تصادفی مد نظر قرار می گیرد، در ارتباط با کمیت های کلان مورد مطالعه در اقتصاد می باشد. در سال های اخیر صادرات غیر نفتی جایگاه و اولویت بالایی در کشور یافته است. تجارت گسترده تر با جهان نه تنها در شکوفایی

به دنبال حداکثر کردن سود خود باشند (وودفورد، ۲۰۰۳، ۱۱).

۵-۱-۱-۲. تکنولوژی

ظرفیت تولیدی نماینده در یک اقتصاد هم باید کاملاً مشخص باشد. مثلاً فرض می‌شود که بنگاه‌ها دارای تابع تولیدی هستند که با کمک این تابع تولید حجم محصول تولیدشده آن‌ها مشخص است و میزان تولید وابستگی مستقیم به میزان استفاده از نیروی کار و سرمایه و دیگر نهاده‌های تولیدی دارد. محدودیت‌های فنی در تصمیم‌گیری‌های کارگزار شامل هزینه تعدیل موجودی سرمایه، روابط استخدامی یا قیمت محصولات تولیدی است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۸).

۵-۱-۱-۳. چارچوب سازمانی

محدودیت‌های سازمانی که تعاملات اقتصادی را هدایت می‌کند باید کاملاً مشخص باشد. در بسیاری از مدل‌های DSGE، چارچوب‌های سازمانی می‌تواند به معنای اطاعت کارگزاران از قیده‌های بودجه‌ای باشد که فاکتورهایی برون‌زا در مدل هستند. از طرف دیگر قید بعدی این است که فرض می‌شود قیمت‌ها تا زمانی که بازار کاملاً شفاف و تسویه شود در مسیر تعدیل قرار دارند. از طرف دیگر باید قوانین پولی و سیاست‌های مالی هم مشخص باشد یا اینکه روند تغییر این سیاست‌ها و قید بودجه در جریان تحولات سیاسی مشخص و قابل پیش‌بینی باشد (کالو، ۱۹۸۳، ۸۹).

۵-۱-۲. مکاتب الگوسازی تعادل عمومی پویای تصادفی

سیاست‌های اقتصادی را نمی‌توان با استفاده از داده‌های تاریخی از یک دوره زمانی که آن سیاست (قواعد بازی) نبوده پیش‌بینی کرد) مدل‌های پایه خردی (Microfounded Models) حداقل در تئوری این آسیب‌پذیری را ندارند. هم‌چنین، از آنجا که مدل‌های پایه خردی بر اساس ترجیحات تصمیم سازان در مدل بنا شده‌اند، مدل‌های DSGE از یک معیار طبیعی برای ارزیابی اثرات تغییر سیاست بر رفاه، بهره‌مند هستند (وودفورد، ۲۰۰۳، ۱۲).

یکی از اصلی‌ترین دلایلی که اقتصاددانان حوزه کلان تلاش می‌کنند تا پایه خرد برای مدل‌های خود ایجاد کنند این است که این قبیل مدل‌ها کمتر مورد انتقاد اقتصاددانان دیگر قرار می‌گیرد. به‌علاوه از آنجا که پایه اقتصاد خرد در نظریه‌ها بر مبنای ترجیحات تصمیم‌گیران اقتصادی در مدل‌ها در نظر گرفته می‌شود، مدل‌های DSGE تصویرگر چارچوب طبیعی برای ارزیابی اثرات رفاهی تغییرات سیاست‌های اقتصادی در زندگی مردم هستند و همین مسئله محبوبیت این روش را بیشتر کرده است.

۵-۱-۱. اصول تعادل عمومی پویای تصادفی مدل‌سازی

در این مقاله به بررسی اصول تعادل عمومی پویای تصادفی مدل‌سازی پرداخته می‌شود.

۵-۱-۱-۱. ترجیحات

اهداف کارگزاران در اقتصاد باید کاملاً مشخص باشد. مثلاً خانوارهای موجود در یک اقتصاد باید در پی حداکثر کردن تابع مطلوبیت خود که شامل مصرف و کار است باشند و بنگاه‌های اقتصادی و صنعتی هم

این الگو امکان پذیر نیست. گریگوری منکیو، یکی از بنیان گذاران الگوهای DSGE کینزی جدید، نیز در این زمینه می گوید: «مطالعات کلاسیک جدید و پژوهش های کینزی جدید تأثیر اندکی روی مطالعات اقتصاددانان فعال در حوزه کلان که در تعامل و اثرپذیری با سیاست های اقتصادی هستند داشت. به نظر می رسد مطالعات قبلی همگی در مسیر نادرستی حرکت کرده و تنها مطالعات اخیر است که می تواند نتایج مناسب صحیحی را ارائه دهد. نارایانا کوچر لاکوتا، رئیس فدرال رزرو مینیاپولیس، با اشاره به این مطلب که در سال های اخیر این مدل در بانک های مرکزی کاربرد زیادی داشته است، می افزاید: «مدل های DSGE نتوانست در تحلیل بحران اقتصادی سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ میلادی موفقیت چندانی داشته باشد و این مسئله نشان داد این مدل ها هم دارای ضعف هایی هستند که باید با مطالعه بیشتر، آن ها را برطرف کرد (کولی و همکاران، ۱۹۹۵، ۶۷). اگرچه کاربرد این مدل ها در دهه دوم قرن جاری با سرعت بالایی رشد کرده است؛ ولی اقتصاددانان بانک های مرکزی در جلسات رسمی و غیر رسمی تأکید کرده اند که این مدل ها باید با دیدگاه های چسبندگی قیمت ها و تاثیر بازارهای مالی روی اقتصاد، تعدیل شوند. در غیر این صورت قدرت پیش بینی و کاربرد خود را در اقتصاد از دست می دهند.» نظرات مثبت و منفی زیادی در مورد این شیوه الگوسازی اقتصادی مطرح شده است و دلیل آن جایگاه ویژه ای است که مدل های مذکور در اقتصاد دارند. از زمانی که این مدل ها معرفی شده، شمار زیادی از اقتصاددانان به مطالعه با این روش پرداختند و این مطالعات گام بلندی در علم اقتصاد برداشت.

در حال حاضر دو مکتب فکری هستند که در الگوسازی تعادل عمومی پویای تصادفی کار می کنند و رقابت تنگاتنگی هم در این حوزه باهم دارند. نظریه چرخه تجاری حقیقی یا RBC بر مبنای مدل رشد نئوکلاسیک ساخته شده است و بر مبنای فرضیه انعطاف پذیری قیمت ها به مطالعه این مسئله می پردازد که چگونه شوک های حقیقی در اقتصاد می تواند زمینه را برای نوسانات چرخه های تجاری فراهم کند. مقاله تالیف شده توسط کیدلند و پرسکات در سال ۱۹۸۲ میلادی را می توان نقطه آغاز ایجاد نظریه RBC و الگوسازی DSGE دانست. دیدگاه RBC توسط کولی و پرسکات مورد مطالعه قرار گرفته است و مطالعات کامل تر در این حوزه ادامه دارد (کولی و همکاران، ۱۹۹۵).

مدل های DSGE کینزی جدید که بر مبنای ساختاری مشابه مدل های RBC بنا شده است؛ ولی فرض می کند که قیمت ها توسط بنگاه هایی تعیین می شوند که به رغم رقابت تنگاتنگ با هم در فضایی انحصاری قرار دارند. به همین دلیل امکان تعدیل این قیمت ها در طول زمان وجود ندارد. اولین فردی که آن چارچوب را معرفی کرد روتمبرگ و وودفورد بودند و در سال ۱۹۹۷ میلادی آن را معرفی کردند. اما این نظریه بعدها توسط دانشمندان دیگری از قبیل گالی و وودفورد و گرترلر توسعه پیدا کرد (وودفورد، ۲۰۰۳، ۱۱).

۵-۱-۳. انتقادات به این روش الگوسازی

ویلم بویتر، یکی از اقتصاددانان مکتب اقتصادی لندن، بر این باور است که الگوهای DSGE بر مبنای فرض بازارهای کامل استوار هستند و به همین دلیل توصیف پویایی های غیر خطی نوسانات اقتصادی با

۵-۲. طراحی مدل DSGE برای اقتصاد ایران

«یک مدل تعادل عمومی با لحاظ بخش‌های داخلی، خارجی و بخش‌های پولی و مالی طراحی، کالیبره و شبیه‌سازی شده است. مدل شامل بخش خانوار، بخش بنگاه‌های تولیدکننده کالاهای نهایی در قالب بازار رقابت انحصاری و قیمت‌گذاری با لحاظ چسبندگی قیمت، تولیدکنندگان کالاهای سرمایه‌ای، صادرکنندگان و واردکنندگان، تلفیق دولت به عنوان بخش مالی و بانک مرکزی به‌عنوان نهاد پولی و بخش خارجی خواهد بود. ویژگی برجسته مدل، گستردگی و جامعیت آن است، به نحوی که بخش خانوار تصمیمات بهینه روی مصرف، میزان عرضه نیروی کار و تقاضای پول انجام می‌دهد (کالو، ۱۹۸۳). هم‌چنین، منحنی فیلیپس هیبریدی کینزین‌های جدید برای تورم داخلی، تورم کالاهای وارداتی و تورم کالاهای صادراتی به تفکیک تصریح شده است. ضمن آنکه به‌دلیل سلطه بخش مالی و درجه پایین استقلال بانک مرکزی، قید بودجه دولت و تراز بانک مرکزی تلفیق شده است و سیاست پولی از دو کانال دارایی-های خارجی و اوراق مشارکت بانک مرکزی مورد بررسی قرار گرفته است» (جعفری صمیمی و همکاران، ۱۳۸۹، ۶۷).

«الگوی مورد استفاده در این مطالعه یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی برای یک اقتصاد باز است که شامل سه بخش خانوار، بنگاه و سیاست‌گذاران مالی و پولی است. معادلات ساختاری تشکیل‌دهنده سیستم الگو از استخراج روابط پویای هر بخش و بر اساس اهداف و قیود مقابل هر واحد مشخص می‌شود. به‌دلیل این‌که الگو به صورت یک اقتصاد باز است. لذا خانوارها این امکان را دارند تا هم از کالاهای تولید

داخل و هم از کالاهای وارداتی استفاده کنند. بنابراین کالاهای به دو دسته کالاهای قابل تجارت (مبادله‌ای) و کالاهای غیرقابل تجارت (غیر مبادله‌ای) تقسیم می‌شوند. با توجه به این تفکیک کالایی، بنگاه‌های این الگو نیز به سه دسته تقسیم می‌شوند: بنگاه‌های تولیدکننده کالاهای مبادله‌ای تولید داخل، بنگاه‌های تولیدکننده کالاهای غیر مبادله‌ای داخلی و بنگاه‌های واردکننده کالاهای مبادله‌ای تولید خارج. بر این اساس چهار معیار تورمی در این مدل قابل مشاهده است: تورم کالاهای مبادله‌ای تولید داخل، تورم کالاهای غیر مبادله‌ای تولید داخل، تورم کالاهای مبادله‌ای تولید خارج (کالاهای وارداتی) و تورم کلی اقتصاد که میانگین وزنی سه تورم قبلی است» (مجدزاده طباطبائی، ۱۳۷۶، ۸۸). «بنابراین اولین سوال مقابل بانک مرکزی این است که به کدام شاخص تورم واکنش داشته باشد. به منظور بررسی واکنش بانک مرکزی، ابتدا در قالب یک قاعده پولی از نوع مک‌کالم، قواعد پولی مختلف تصریح و با استفاده از داده‌ها مورد برآورد قرار می‌گیرد. سپس با استفاده از آماره‌های موجود میان مدل‌های برآوردشده مقایسه برآزش انجام می‌شود و در نهایت توصیه سیاستی برای این‌که کدام معیار باید از سوی بانک مرکزی لحاظ شود، انجام می‌گیرد» (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۸).

۵-۲-۱. مقاومت نظام مالی کشور

اصطلاح اقتصاد مقاومتی نخستین بار، توسط آیت‌الله خامنه‌ای در شهریور ۱۳۸۹ (ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد) به کار برده شد. خامنه‌ای «اقتصاد مقاومتی» را روشی برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی علیه ایران می‌داند. از این منظر، اقتصاد

درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا» دانست (مجدزاده طباطبائی، ۱۳۷۶، ۸۹).

بر اساس این سیاست‌های ۲۴ ماده‌ای، تولید کالاهای اساسی، به‌ویژه آن دسته از کالاهای اساسی که در حال حاضر از طریق واردات تأمین می‌شود، باید افزایش یابد و مبادی ورودی واردات این کالاها نیز باید متنوع شود. همچنین برای تأمین امنیت غذا و دارو، باید برای این کالاها و مواد اولیه تولید آن‌ها «ذخایر راهبردی» ایجاد شود. از سوی دیگر مقرر شده است که دولت درآمدهای خود را از مالیات افزایش دهد و سهمی از درآمدهای نفتی که به صندوق توسعه ملی می‌رود هر سال نسبت به سال قبل افزایش یابد تا جایی که وابستگی بودجه سالانه به درآمدهای نفتی به صفر برسد. ضربه‌پذیری درآمدهای نفتی نیز باید از طریق انتخاب «مشتریان راهبردی»، تنوع دادن به روش‌های فروش، مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش فرآورده‌های نفتی و افزایش صادرات گاز، برق و محصولات پتروشیمی کاهش یابد. مقرر شد که نظام قیمت‌گذاری در کشور شفاف و روش‌های نظارت بر بازار به روز شود. هزینه‌های عمومی کشور باید از طریق «منطقی سازی اندازه دولت»، حذف دستگاه‌های موازی یا غیر ضروری و حذف هزینه‌های زائد کاهش یابد و صادرات کالا، به‌ویژه صادرات کالاهای «دانش بنیان» افزایش پیدا کند. همچنین «دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه» از جمله اهداف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی اعلام شد.

۵-۲-۲. تبیین اقتصاد مقاومتی

«به فرایند شناسایی نقاط آسیب و تهدیدهای خارجی و داخلی و تبدیل این نقاط ضعف و تهدیدها

مقاومتی یعنی مقاوم‌سازی و محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد؛ این چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم، بارور خواهد بود. منتقدان این اصطلاح ابداعی خامنه‌ای را غیر علمی و غیر قابل اجرا می‌دانند و آن را از منظر علم اقتصاد فاقد هر گونه تعریفی می‌دانند. این واژه توسط اکثر اقتصاددانان مستقل، واژه‌ای مبهم توصیف شده است که فقط کاربرد شعاری دارد و در عمل امکان اجرای آن، با توجه به ساختار سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشد. او در حالی اصطلاح «اقتصاد مقاومتی» را استفاده کرد که شورای امنیت سازمان ملل متحد در چهار قطعنامه از شش قطعنامه‌ای که در مورد برنامه اتمی ایران صادر کرده بود، تحریم‌هایی را علیه ایران در نظر گرفته بود. همچنین اتحادیه اروپا و دولت‌های آمریکا، کانادا، استرالیا، ژاپن و کره جنوبی نیز تحریم‌هایی یک جانبه علیه ایران اعمال کرده‌اند تا این کشور را به توقف غنی‌سازی اورانیوم و تبعیت از قطعنامه‌های شورای امنیت وادار کنند. اقتصاد ایران در اثر این تحریم‌های بین‌المللی و سیاست‌های دولت محمود احمدی‌نژاد، به شدت تحت فشار بوده و وضعیتی بحرانی پیدا کرده بود. آیت‌الله خامنه‌ای در ۲۹ بهمن ۱۳۹۲، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را که در مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین شد، به رؤسای قوای سه‌گانه دولت، مجلس و قضائیه ابلاغ کرد و دستور داد که «بی‌درنگ و با زمان‌بندی مشخص» آن را اجرا کنند. آیت‌الله خامنه‌ای در نامه‌ای به سران قوا، هدف از اقتصاد مقاومتی را «تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله» و لازمه اجرای آن را «رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد،

به اهداف خود در سطح کلان هدایت می‌کند» (وودفورد، ۲۰۰۳، ۱۲-۱۲).

۵-۲-۳. ابعاد مختلف نقش سیاست‌های پولی و بانکی در اقتصاد مقاومتی

مجموعه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مانند یک بسته هماهنگ است و نباید بندهای این سیاست‌ها را جدا از هم بررسی کرد؛ برای مثال در مواردی که به تولید داخلی توجه شده است، به بند ۹ (اصلاح و تقویت نظام مالی) به عنوان اصل کلی در تولید داخلی باید توجه شود. با این رویکرد نقش نظام مالی فراتر از صرفاً بند ۹ است و باید نقش حمایتگری برای دیگر بندها داشته باشد. «نقش نظام پولی و بانکی در اقتصاد مقاومتی را می‌توان در دو محور استحکام و اصلاح (مقاوم‌پذیری) درونی و نقش حمایتی از بخش واقعی (بنگاه‌های مولد) بررسی کرد. به بیان دیگر تحقق نقش نظام پولی و بانکی در مدل اقتصاد مقاومتی دو رکن دارد. رکن نخست مربوط به اصلاح درونی نظام پولی و بانکی است که بدون این اصلاح ساختاری، ریل‌گذاری لازم برای حمایت و تقویت بخش واقعی (رکن دوم نظام بانکی و اقتصاد مقاومتی) محقق نخواهد شد» (مجدزاده طباطبائی، ۱۳۷۶، ۸۹). «از جمله موضوع‌های مهمی که به گونه گسترده در اقتصاد کلان مطرح است، انتخاب سیاست‌ها و ابزارهای مناسب برای ازبین‌بردن بی‌تعالی و ایجاد ثبات اقتصادی است. سیاست‌های پولی و مالی، مهم‌ترین سیاست‌هایی هستند که در زمینه مدیریت تقاضا استفاده می‌شوند. اجرای سیاست‌های پولی و مالی یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌گذاری برای رسیدن به اهداف کلان اقتصادی از جمله توزیع عادلانه درآمد، افزایش نرخ رشد

به فرصت‌های رشد و توسعه، اقتصاد مقاومتی گفته می‌شود. اقتصاد مقاومتی الگویی است که یک‌سری اهداف و اصول اساسی دارد و برای رسیدن به آن مجموعه‌ای از سیاست‌ها در نظر گرفته شده است. مشخصه درون‌زایی و برون‌گرایی با اتکا به توان و ظرفیت‌های داخلی کشور از محورهای اساسی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. در این میان نقش نظام مالی به‌عنوان اهرم پیش‌ران اقتصاد مقاومتی در تقویت ارکان بخش واقعی کشور بر کسی پوشیده نیست. شبکه بانکی کشور به راهبری بانک مرکزی باید در تعامل مستقیم با دیگر دستگاه‌های ذی‌ربط و به‌ویژه وزارت‌خانه‌های اقتصادی و دستگاه دیپلماسی کشور، ترتیبی در نظر بگیرند تا شرایط تحقق یک اقتصاد مولد درون‌زا و برون‌گرا و پیشرو در تقویت بخش واقعی ایجاد شود. سیاست مالی بخشی از سیاست‌های مدیریت تقاضاست که از سوی دولت اجرا می‌شود. جریان پرداخت‌ها و دریافت‌های دولت که در قالب مخارج و درآمدهای بودجه‌ای آشکار می‌شود، متغیرهای اصلی سیاست مالی دولت را تشکیل می‌دهند» (توار، ۲۰۰۹، ۱۶-۱۵). «مهم‌ترین ویژگی‌های بودجه دولت و متغیرهای سیاست مالی، کوتاه بودن دوره زمانی اثرگذاری آن‌ها بر متغیرهای کلان اقتصادی، فعال‌کردن بخش‌های غیردولتی، استفاده از منابع راکد کشور و جهت‌دهی در مسیر رشد و توسعه است. همچنین تأثیر سیاست‌های دولت و متغیرهای مالی بر متغیرهای عمده‌ای مانند مصرف، سرمایه‌گذاری، تورم، تولید ناخالص داخلی و اهداف کلان اقتصادی از جمله اهداف توزیعی، تخصیصی و تشبیتی انکارناپذیر است. بنابراین، دولت با استفاده از ابزار سیاست مالی، اقتصاد را در رسیدن

اقتصادی و سطح اشتغال و ثبات قیمت‌هاست. سیاست‌های پولی و مالی دولت نیز زیر مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی است. سیاست‌های مالی دولت با استفاده از ابزار هزینه‌های جاری، عمرانی و درآمدهای مالیاتی و غیر مالیاتی و سیاست‌های پولی دولت از راه متغیرهای پولی و ارزی اعمال می‌شود» (برانسون، ۲۰۰۷، ۸۹).

۵-۲-۴. بانکداری اجتماعی و کاهش تضاد منافع مالی بین بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی

ارائه یک تعریف از بانکداری اجتماعی همیشه کار ساده‌ای نیست. دلیل این امر وجود رویکردهای بسیار متفاوتی است که با عنوان (بانکداری اجتماعی) معرفی شده‌اند. منشد ایدن تفاوت‌ها این است که در رویکردهای مختلف بر جنبه‌های متفاوتی از تغییرات اجتماعی تمرکز شده است (بندی‌کتر، ۲۰۱۱). لذا محققان مختلف برداشت‌های متفاوتی از بانکداری اجتماعی دارند. هر یک از تعاریف مختلف بانکداری اجتماعی معطوف به جنبه‌های به‌خصوصی از بانکداری اجتماعی هستند و نمی‌توانند همه انواع آن را به خوبی مشخص نمایند. در این مقاله با توجه به هدف تحقیق یکی از جامع‌ترین تعاریف که مربوط به محمدرضا رستمی و همکاران است، انتخاب شده است. طبق این تعریف، بانکداری اجتماعی ترکیبی از روندهای اجتماعی کارآفرینی اجتماعی و وامدهی به بخش‌های مولد با محصولات و خدمات بانکی است (رستمی و همکاران، ۲۰۱۸).

در حوزه تضاد منافع بین بانک‌ها و بنگاه‌های تولیدی پژوهش‌های مختلفی انجام شده است. به عنوان نمونه، رحمانی و فلاحی «با تمرکز بر مشکل کمبود

نقدینگی بنگاه‌ها عنوان نمودند که از یک سو، بنگاه‌ها تقاضای تسهیل در دسترسی به تسهیلات بانکی و کاهش هزینه مالی این تسهیلات را دارند. از سوی دیگر، شواهد چند دهه گذشته بیانگر آن است که این سیاست یک مسکن کوتاه‌مدت بوده و قادر به حل ریشه‌ای مشکل محدودیت نقدینگی بنگاه‌ها نخواهد بود. این تحقیق به دنبال شناسایی عوامل اصلی بروز تنگنای مالی در اقتصاد ایران است. مهم‌ترین عوامل اصلی بروز تنگنای مالی از جانب عرضه اعتبارات عبارت‌اند از پایین بودن سهم مانده بدهی بخش غیر دولتی از کل دارایی‌های سیستم بانکی، بالا بودن حجم مطالبات غیر جاری و توزیع متمرکز و نامتناسب منابع مالی «رحمانی و همکاران، ۲۰۱۸». گیستی و همکاران، با بررسی موانع مالی و نوآوری در توسعه شرکت‌های تولیدی اتحادیه اروپا عنوان کردند که طبق بررسی‌های تجربی این مقاله، وجود موانع مالی، یعنی مشکلات دسترسی به منابع خارجی، یک عامل بازدارنده جدی برای ظرفیت نوآوری در تولید شرکت‌های کوچک و متوسط تولیدی اتحادیه اروپا است. در واقع، عدم وجود پایداری شرکت‌ها و وجود بازارهای رقابتی و همچنین فقدان بستر نهادی معتبر، عدم اطمینان به شرکت‌ها را افزایش داده و ریسک بانک‌ها برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌های کوچک را افزایش می‌دهد که سخت‌گیری محدودیت‌های تامین مالی را تقویت می‌کند (گیستی و همکاران، ۲۰۱۷). می‌دري در خصوص رفع تضاد منافع بخش‌های بانکی و تولیدی به این نتیجه رسید که با توجه به مشکلات ریشه‌ای در نظام بانکداری، در این مقاله الگوی بانکداری ژاپنی به عنوان راه حلی برای آشتی بخش مالی با سایر بخش‌های اقتصادی در سه اصل معرفی شد (می-)

دری، ۱۳۹۲). «پیوند مالکیتی و مدیریتی میان نظام بانکی و نظام تولید/ کنترل نظام بانکی و تأمین مالی پروژه‌های صنعتی توسط نهادهای دولتی. محمودی و شریفی، عوامل مؤثر در عدم بازپرداخت تسهیلات اعطایی زودبازده را بررسی نمودند و به این نتیجه رسید که نهادهای مالی به‌عنوان قلب تپنده اقتصاد در دو بازار بزرگ سرمایه و پول فعالیت دارند و با اعطای تسهیلات، باعث جریان پول و سرمایه در جامعه می‌شوند. تسهیلات اعطایی، از زمره مهم‌ترین و با ارزش‌ترین دارایی‌های بانک محسوب می‌شود و بخش عمده ای از درآمد بانک‌ها می‌تواند از طریق اعطای تسهیلات به وقوع بپیوندد، اما گردش پول و سرمایه در جامعه، نهاد مالی را در معرض انواع ریسک‌ها قرار می‌دهد که این ریسک‌ها ممکن است باعث عدم تمایل پرداخت وام به بخش پرریسک جامعه شود» (محمودی و همکاران، ۱۳۹۲، ۹۷).

شریفی‌رنانی و همکاران، عدم تقارن اطلاعاتی را یکی از مشکلات موجود عنوان نمود و این‌گونه نتیجه‌گیری کردند که از آنجا که وام‌گیرنده و وام‌هنده ممکن است ارزیابی متفاوتی از اطلاعات مربوط به ریسک پروژه داشته باشند، در بازار اعتباری اطلاعات نامتقارن وجود دارد. از این‌رو، مؤسسات وام‌دهنده معمولاً با مشکلاتی از قبیل تعیین نوع ریسک مربوط به وام‌گیرنده (گزینش نامناسب)، اطمینان از اینکه وام‌گیرنده وام دریافت شده را صحیح صرف کند (عدم صداقت)، آموزش چگونگی انجام پروژه در مواقعی که وام‌گیرنده عدم توانایی خود را در بازپرداخت اعلام نماید و دستیابی به روش‌هایی برای بازپرداخت وام توسط افرادی که از پرداخت بدهی خود سرباززند. از عمده دلایل این امر می‌توان به عواملی چون مسائل فرهنگی، اقتصادی، آموزش، فقدان بانک‌های

اطلاعاتی متمرکز، خلأ شبکه تبادل اطلاعاتی قوی و کارآمد، عدم وضع قوانین و مقررات کافی و مسائل سیاسی اشاره نمود. لذا باید تدابیری اندیشیده شود تا هم منابع مالی مورد نیاز متقاضیان تأمین شده و هم بانک اصلی‌ترین وظیفه خود یعنی اعطای تسهیلات را با حداقل ریسک ممکن انجام دهد. زیرا در شرایط متحول امروز، اساس موفقیت هر بنگاه به تسلط آن بر ریسک‌ها و نوع مدیریتی است که بر انواع ریسک‌ها اعمال می‌کند (شریفی‌رنانی و همکاران، ۱۳۹۰). عرب مازار و رویین، تأثیر ریسک اعتباری مشتریان بانکی بر کاهش انگیزه پرداخت وام را سنجیدند و عنوان نمود که «کاهش و کنترل ریسک به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر بهبود فرایند اعطای اعتبار بر عملکرد بانک‌ها مطرح است و نقش اساسی در تداوم ارائه تسهیلات و بقای بانک و موسسات مالی دارد. آنچه برای بانک اهمیت دارد این است که قبل از اعطای تسهیلات، احتمال عدم بازپرداخت از سوی وام‌گیرندگان را ارزیابی و گروهی را انتخاب نماید که از ادای دین آن‌ها در موعد مقرر مطمئن شود. انجام این کار از طریق یک سیستم جامع، ساختار و معیار مناسب امکان‌پذیر است» (عرب مازار و همکاران، ۱۳۸۵). باقری و نجفی، عوامل مؤثر بر مصرف اعتبارات بانکی در بخش کشاورزی را بررسی نمودند و به این نتیجه رسیدند که «عدم بازپرداخت تسهیلات یا بازپرداخت با تأخیر موجب عدم توانمندی بانک در انجام تعهدات خود می‌گردد. از طرفی، گیرندگان تسهیلات در بخش کشاورزی در مقایسه با فعالان و تولیدکنندگان سایر بخش‌ها همانند صنعت و خدمات به میزان بیشتری با خطر و نا اطمینانی ناشی از عوامل طبیعی و نوسانات قیمت فروش محصولات کشاورزی روبه‌رو

اسلامی، متناسب با وضعیت امروز و فردا، پویا و انعطاف پذیر است. هرچند اقتصاد مقاومتی با اقتصاد تاب آور دارای اشتراکاتی است؛ اما برخی از مهم ترین مؤلفه هایی که آن را از اقتصاد تاب آور متمایز می کند بومی و اسلامی بودن، رویکرد جهادی داشتن و فساد ستیزی است. منظور از مقاومت بانکی، برقراری ثبات در سیستم بانکی و افزایش تاب آوری در آن است. «بانک ها زمانی مقاوم هستند که با ساختار حاکمیت شرکتی مناسب، زمینه های بروز ریسک و خطر در سیستم خود را به موقع شناسایی کنند و با اقدامات پیش گیرانه از بروز آن ها جلوگیری به عمل آورند. همچنین مقاومت بانکی می طلبد که بانک در شرایط مخاطره آمیز و پر ریسک با اقدام به موقع، قابلیت مدیریت سریع و کنترل شرایط به وجود آمده را داشته باشد به طوری که از بروز بحران و تسری آن به سایر بخش های اقتصادی جلوگیری کند» (دانشور، ۱۳۹۶، ۲۱۲). به بیان دیگر، «هنر مقاومت بانکی در انطباق دادن میان شرایط کلی اقتصاد، راهبردهای کلان بانک و سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی از طریق طراحی و پیاده سازی مدل های مناسب کسب و کار است» (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۹).

۵-۲-۴-۱. عوامل مؤثر بر مقاومت سازی صنعت بانکی

پس از تبیین اهمیت وافر مقاومت صنعت بانکی در قبال تکانه های داخلی و خارجی، نیاز است بر مسیرهای مقاومت سازی و تقویت این صنعت مهم اقتصادی بیشتر تأمل شود. ادبیات تحقیق نشانگر آن است که شاخص های مهمی در رابطه با مقاومت سازی صنعت بانکی وجود دارد. در یک دسته بندی این شاخص ها در سه گروه شاخص های درون

هستند. بنابراین، اغلب با مشکل ناتوانی مالی برای بازپرداخت اقساط سررسیده خود در موعد مقرر روبه رو می شود. در صورت وجود هر گونه مشکلی در مورد بازپرداخت اعتبارات، بانک در پرداخت اعتبار به کشاورزان با مشکل مواجه خواهد شد. عدم بازپرداخت به موقع تسهیلات سررسید شده توسط کشاورزان سبب کاهش عملکرد وصول تسهیلات اعطایی و به تبع آن کاهش منابع مالی بانک می شود» (باقری و همکاران، ۱۳۸۳).

۵-۲-۵. اهمیت مقاومت صنعت بانکی

در ادبیات رایج جهان اصطلاح اقتصاد مقاومتی به نحو مشخص مشاهده نمی شود؛ بلکه در ادبیات نظری و تجربی بیشتر از تاب آوری اقتصادی بهره برده شده است. بریگوگلیو و پیچینینو، تاب آوری اقتصادی را به قدرت و توان یک کشور به ایستادگی و مقاومت و نجات از تکانه ها و شوک های خارجی تعبیر نموده است (بریگوگلیو و همکاران، ۲۰۰۹). هم چنین ناکانو و فوجی، تاب آوری اقتصادی را به توان یک اقتصاد در پایین آوردن احتمال وقوع بحران های عمیق و یا حداقل ترمیم آثار یک بحران مرتبط می داند. در این مفهوم، تاب آوری اقتصادی در توان حفظ سطح محصولات در نزدیک ظرفیت واقعی پس از رخداد تکانه ها و شوک ها تعریف می شود (ناکانو و همکاران، ۲۰۱۱).

«اقتصاد مقاومتی به معنای تشخیص حوزه های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی اثر کردن آن تأثیرها و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است» (عربی و همکاران، ۱۳۹۸، ۲۲۷). بر اساس فرمایش رهبر معظم انقلاب اسلامی اقتصاد مقاومتی الگویی بومی و علمی، برآمده از فرهنگ انقلابی و

خروج سپرده‌ها از بانک، عدم بازپرداخت تسهیلات، تحمیل هزینه‌های بالای تحقیق و دعاوی حقوقی و غیره مواجه سازد» (کمیته بازل در مورد نظارت بانکی (بازل، ۲۰۰۱). «یکی از مهم‌ترین اقدامات برای تقویت مدیریت ریسک های بانکی توجه و پرداخت به حاکمیت شرکتی است. حاکمیت شرکتی عامل حفظ و ارتقای سود سهام‌داران از طریق اعمال رهبری هدفمند و انتصاب یک مدیر توانا، قدرتمند و با صلاحیت و نظارت بر آن توصیف شده است» (والکر، ۲۰۰۹، ۱۹). «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، حاکمیت شرکتی را دسته‌ای از روابط بین هیئت‌مدیره، سهام‌داران و دیگر ذی‌نفعان یک شرکت معرفی می‌کند که با تعیین ساختار، اهداف، ابزارهای دستیابی به این اهداف و نیز نظارت بر فعالیت‌ها، مشوقی برای هیئت‌مدیره و مدیران در پیگیری مسائلی است که منافع شرکت و سهام‌داران در آن قرار دارد و نیز تشویقی است برای آنکه از منابع به شیوه کاراتری استفاده نمایند» (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۴، ۱۷). بنابراین تأکید حاکمیت شرکتی بر موضوعاتی از قبیل رعایت قوانین و مقررات و ضوابط اخلاقی، شفافیت در گزارشگری مالی و عملکرد مدیران، مراقبت از منافع سهام‌داران، پاسخگویی مدیران، هم‌سوسازی منافع و حفاظت از حقوق کلیه ذی‌نفعان و به حداقل رساندن تضاد منافع همه ذی‌نفعان است. در دیدگاه‌های محدود، حاکمیت شرکتی تنها به رابطه شرکت و سهام‌داران تعریف شده است. «این الگویی قدیمی است که در قالب نظریه نمایندگی تفسیر می‌شود؛ اما این مفهوم ممکن است از صرف رابطه مابین شرکت و سهام‌داران شرکت فراتر رفته و در شبکه‌ای از روابط تعریف شود. در این وضعیت، حاکمیت شرکتی نه تنها روابط میان

نهادی (مربوط به خود بانک‌ها)، میان‌نهادی (مربوط به روابط شبکه بانکی) و فرانهادی (مربوط به خارج از شبکه بانکی) دسته‌بندی شده‌اند (خوانساری و همکاران، ۱۳۹۴، ۹۷).

«در دسته شاخص‌های درون‌نهادی مواردی همچون پایین بودن سطح مطالبات غیر جاری در صنعت بانکی، استقرار نظام اعتبارسنجی مشتریان، عدم ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و لوکس‌گرایی در تبلیغات بانک‌ها، مقاوم‌سازی و بومی‌سازی بانکداری الکترونیک و فناوری اطلاعات در صنعت بانکی، بالا بودن سطح کیفی و توانمندی نیروی انسانی در صنعت بانکی، تناسب سطح کمی نیروی انسانی در صنعت بانکی به منظور مدیریت هزینه‌ها، فعالیت‌های پژوهش و توسعه R&D در راستای مقاوم‌سازی صنعت بانکی، وجود سازوکارهای اطمینان بخشی به سپرده‌گذاران در جهت صیانت از سپرده‌ها، سهولت رویه‌های بانکی جهت تشویق صادرات، هدایت تسهیلات خرد بانکی به منظور تشویق مشتریان به خرید کالاهای ایرانی، هدایت تسهیلات کلان بانکی به منظور تشویق تولیدکنندگان کالاهای ایرانی، شفافیت و سلامت صنعت بانکی و پایین بودن فساد مالی، بالا بودن سطح کمی و کیفی سرمایه بانک‌ها، توزیع عادلانه منابع بانکی و وجود چارچوب مناسب مدیریت ریسک و حاکمیت شرکتی در صنعت بانکی وجود دارد» (عرب مازار و همکاران، ۱۳۸۵، ۸۹).

۵-۲-۴-۲. نقش حاکمیت شرکتی در صنعت بانکی

«توانایی نظام مدیریت ریسک‌های بانکی از مهم‌ترین علی است که می‌تواند بانک‌ها را با مشکلاتی چون

«سپرده‌گذاران بانکی نسبت به تغییرات بازار بسیار حساس بوده و با توجه به فضای بازار تصمیم‌گیری می‌نمایند. با توجه به فضای رقابتی در بازار بانکی، بانک‌ها همواره در پی حفظ مشتریان حاضر و جذب مشتریان جدید هستند. در این بین بانک‌ها تلاش دارند که از رقبای خود جا نمانده و با ارائه بهترین عملکردها که ناشی از حاکمیت شرکتی نیز می‌شود، نگاه و انتخاب مشتریان را به سمت خودشان معطوف کنند» (خوانساری و همکاران، ۱۳۹۴، ۹۷). از جمله مؤلفه‌هایی که در یک بازار رقابتی مورد توجه مشتریان است، می‌توان به ارائه خدمات بهتر از حیث تنوع، کیفیت، کمیت و دسترسی آسان، تنظیم سود بانکی با انتظارات مشتریان، مطابقت فعالیت‌های بانکی با عرف و فرهنگ مشتریان اشاره کرد. خلاصه کلام آنکه رقابت بانکی در جذب مشتریان و منابع بیشتر، عامل انگیزشی خوبی جهت برپایی اصول حاکمیت شرکتی در هر بانکی خواهد بود. این موردی است که در صنایع مختلف نیز به اثبات رسیده است (گوادلوپ و همکاران، ۲۰۱۰).

ج) مدیریت هزینه‌ها

افزون بر قوانین و مقررات و کارکرد برند سازی در عرصه رقابت بین‌بانکی، عامل مؤثر دیگری به نام مدیریت هزینه‌ها وجود دارد که می‌تواند بانک‌ها را به تقویت حاکمیت شرکتی در سازمان خود تشویق و ترغیب نماید. تجربه نشان داده است که توجه به منافع ذی‌نفعانی همچون کارکنان و مدیران بانکی و اصلاح مدیریت سازمانی از حیث حفظ، به‌کارگیری، ارتقای شغلی و مهارت‌آموزی ایشان، موجب می‌شود از حجم اشتباهات انسانی و تخلفات اداری و سازمانی کاسته شده و با ایجاد وحدت و همدلی مابین

شرکت و سهام‌داران، بلکه روابط میان شرکت و تعداد زیادی از ذی‌نفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق بهادار و غیره را شامل می‌شود. چنین دیدگاهی در قالب نظریه ذی‌نفعان طرح می‌شود» (سولومون، ۲۰۰۷، ۵).

۵-۲-۴-۳. عوامل انگیزشی بهبود حاکمیت شرکتی در صنعت بانکی

صنعت بانکی به‌عنوان یکی از نهادهای نظام اقتصادی بیشتر از سایر نهادهای مالی نیازمند رعایت اصول و ضوابط حاکمیت شرکتی است. از جمله عوامل مؤثر انگیزشی در بهبود حاکمیت شرکتی در صنعت بانکی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

الف) قوانین و مقررات

«قوانین و مقررات با جهت‌دهی خود می‌توانند مسیر و میزان فعالیت‌های بانکی را تحت تأثیر قرار داده و به حفاظت از منافع ذی‌نفعان بیانجامد. قوانین نظارتی و بازرسی از جمله مهم‌ترین قوانینی هستند که تضمین‌کننده ایفای حقوق ذی‌نفعان به‌شمار می‌آیند. در این میان سعی می‌شود بیشتر و در ابتدا از مسائل حقوق نرم مانند پیش‌گیری و مراقبت از طریق ضوابط بانکداری اخلاقی و اصول حرفه‌ای کسب‌وکار بانکی استفاده شده و از ابزارهای کنترلی بهره گرفته شود. در این بین، قانون‌گذار زمانی وارد به‌کارگیری حقوق سخت می‌شود که اجتناب‌ناپذیر باشد؛ مانند زمانی که جرمی همچون استفاده نابه‌جا از اموال بانک یا اختلاس اتفاق می‌افتد و دخالت قانون در قالب حقوق سخت ضرورت می‌یابد» (عربی و همکاران، ۱۳۹۸، ۲۲۸).

ب) رقابت

از سیاست‌ها در نظر گرفته شده است. مشخصه درون‌زایی و برون‌گرایی با اتکا به توان و ظرفیت‌های داخلی کشور از محورهای اساسی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. در این میان نقش نظام مالی به عنوان اهرم پیش‌ران اقتصاد مقاومتی در تقویت ارکان بخش واقعی کشور بر کسی پوشیده نیست. شبکه بانکی کشور به راهبری بانک مرکزی باید در تعامل مستقیم با دیگر دستگاه‌های ذی‌ربط و به‌ویژه وزارت‌خانه‌های اقتصادی و دستگاه دیپلماسی کشور، ترتیبی در نظر بگیرند تا شرایط تحقق یک اقتصاد مولد درون‌زا و برون‌گرا و پیش‌رو در تقویت بخش واقعی ایجاد شود.

سیاست مالی بخشی از سیاست‌های مدیریت تقاضاست که از سوی دولت اجرا می‌شود. جریان پرداخت‌ها و دریافت‌های دولت که در قالب مخارج و درآمدهای بودجه‌ای آشکار می‌شود، متغیرهای اصلی سیاست مالی دولت را تشکیل می‌دهند. مهم‌ترین ویژگی‌های بودجه دولت و متغیرهای سیاست مالی، کوتاه‌بودن دوره زمانی اثرگذاری آن‌ها بر متغیرهای کلان اقتصادی، فعال کردن بخش‌های غیردولتی، استفاده از منابع راكد کشور و جهت‌دهی در مسیر رشد و توسعه است. همچنین تأثیر سیاست‌های دولت و متغیرهای مالی بر متغیرهای عمده‌ای مانند مصرف، سرمایه‌گذاری، تورم، تولید ناخالص داخلی و اهداف کلان اقتصادی از جمله اهداف توزیعی، تخصیصی و تشبیتی انکارناپذیر است. بنابراین، دولت با استفاده از ابزار سیاست مالی، اقتصاد را در رسیدن به اهداف خود در سطح کلان هدایت می‌کند. مجموعه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مانند یک بسته هماهنگ است و نباید بندهای این سیاست‌ها

کارکنان و مدیران بانکی هزینه‌های قابل‌اجتناب به نحو چشمگیری کاهش یابد. بدیهی است بی‌تفاوتی و اهمال در رعایت حقوق این دسته از ذی‌نفعان، ساختار سازمانی هر بانکی را با اختلال کارکردی و افزایش سطح اشتباهات و هزینه‌های غیر ضرور مواجه می‌سازد (گوادلوپ و همکاران، ۲۰۰۶).

د) زنجیره اثرگذاری حاکمیت شرکتی صنعت بانکی بر مقاومت نظام اقتصادی

چنانچه غالب بنگاه‌های یک صنعت با تقویت حاکمیت شرکتی خود، مدیریت بهینه‌ای از منابع و هزینه‌های خود داشته باشند و از نهاده‌ها، منابع مالی و انسانی خود به نحو اصولی‌تر استفاده کنند، فضای نامتعادل رقابت‌پذیری و احتمال پدیداری انحصارات در آن صنعت رو به افول می‌گذارد. به عبارتی در حلقه اول، استقرار حاکمیت شرکتی قدرتمند در غالب بنگاه‌های یک صنعت اقتصادی موجب بهینگی بالاتر در کل صنعت و در نتیجه رقابت‌پذیری بیشتر و کاهش انحصارگری توسط تعداد معدودی بنگاه پر قدرت در آن صنعت می‌شود. افزایش تمرکززدایی و سطح رقابت داخلی بنگاه‌های صنعت با یکدیگر با یک اثر هم‌افزا و برگشتی خود منجر به تقویت حاکمیت شرکتی نیز خواهد شد. به عبارتی هر اندازه سطح رقابت در صنعتی بیشتر باشد، سطح حاکمیت شرکتی در آن صنعت از مسیرهایی همچون بهبود شفافیت در نظام اطلاعات بهبود خواهد یافت. (عربی و همکاران، ۱۳۹۸، ۲۲۸).

۶. نتیجه

«اقتصاد مقاومتی الگویی است که یک‌سری اهداف و اصول اساسی دارد و برای رسیدن به آن مجموعه‌ای

را جدا از هم بررسی کرد. برای مثال در مواردی که به تولید داخلی توجه شده است، به بند ۹ (اصلاح و تقویت نظام مالی) به عنوان اصل کلی در تولید داخلی باید توجه شود. با این رویکرد نقش نظام مالی فراتر از صرفاً بند ۹ است و باید نقش حمایتگری برای دیگر بندها داشته باشد. نقش نظام پولی و بانکی در اقتصاد مقاومتی را می توان در دو محور استحکام و اصلاح (مقاوم پذیری) درونی و نقش حمایتی از بخش واقعی (بنگاه های مولد) بررسی کرد. به بیان دیگر تحقق نقش نظام پولی و بانکی در مدل اقتصاد مقاومتی دو رکن دارد. رکن نخست مربوط به اصلاح درونی نظام پولی و بانکی است که بدون این اصلاح ساختاری، ریل گذاری لازم برای حمایت و تقویت بخش واقعی (رکن دوم نظام بانکی و اقتصاد مقاومتی) محقق نخواهد شد.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان حاضر به صورت برابر مشارکت داشته اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

فارسی

فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، شماره ۲۰، ۲۰۱۸.

- رستمی، محمدرضا؛ نبی‌زاده، احمد؛ شاهی، زهرا، «بررسی عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری بانک‌های تجاری ایران با تأکید بر عوامل خاص بانکی و کلان اقتصادی»، نشریه مدیریت دارایی و تأمین مالی، شماره ۴، ۲۰۱۸.

- شریفی رنانی، حسین؛ رنجبر، همایون؛ فولادی، ابراهیم، «بررسی عوامل مؤثر در عدم بازپرداخت تسهیلات کشاورزی (مطالعه موردی بانک کشاورزی استان اصفهان)»، نشریه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۱۹، ۱۳۹۰.

- عرب مازار، عباس؛ پونه روئین‌تن، «عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری مشتریان بانکی (مطالعه موردی بانک کشاورزی)»، فصلنامه جستارهای اقتصادی، شماره ۶، ۱۳۸۵.

- عربی، سید هادی؛ بکی‌ای، شهناز، «شناسایی و اولویت‌بندی راهکارهای مؤثر در تحقق اقتصاد مقاومتی در بانکداری اسلامی ایران با روش AHP»، دو فصلنامه جستارهای اقتصادی ایران شماره ۳۱، ۱۳۹۸.

- مجدزاده طباطبایی، شراره، «بررسی اثرات سیاست‌های تثبیت اقتصادی بر متغیرهای واقعی کلان اقتصادی (مطالعه موردی ایران)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۶.

- محمودی، نادر؛ شریفی، حسین، «بررسی علل و عوامل مؤثر در عدم بازپرداخت تسهیلات اعطایی زودبازده در شعب بانک ملی شهرکرد»، شهرکرد،

- ابراهیمی، آیت‌الله؛ سیف‌اله مراد، «مفهوم‌شناسی و زمینه‌یابی بانکداری مقاومتی در اقتصاد ایران»، فصلنامه روند، شماره ۷۱، ۱۳۹۴.

- باقری، مهرداد؛ نجفی، بهالدین، «بررسی عوامل مؤثر بر بازپرداخت اعتبارات کشاورزی (مطالعه موردی استان فارس)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۹، ۱۳۸۳.

- جعفری صمیمی، احمد؛ علیمردادی، محمد؛ بیات، ندا؛ علمی، سیامک، «هزینه‌های مبادله و تعدیل غیر خطی نرخ ارز حقیقی با استفاده از الگوی STAR (مطالعه موردی ایران)»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۵۳، ۱۳۸۹.

- خوانساری، رسول؛ قلیچ، وهاب، «اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی با استفاده از روش تاپسیس فازی»، دو فصلنامه تحقیقات مالی اسلامی، شماره اول، ۱۳۹۴.

- دانشور، بهاره، اقتصاد مقاومتی و بانکداری اسلامی در ایران، چاپ اول، شیراز، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۹۶.

- راستی، محمد، «آثار توسعه تجارت بر توسعه مالی در اقتصاد ایران»، فصلنامه بررسی‌های بازرگانی، شماره ۳۷، ۱۳۹۹.

- رحمانی، تیمور؛ فلاحتی، سامان، «شناسایی عوامل بروز کمبود نقدینگی بنگاه‌ها در اقتصاد ایران».

Panel Unit root and Cointegration Tests», Journal of Development Economics, No.1,2022.

– Cooley, T F and Prescott, E C, Economic Growth and Business Cycle(In Frontier of Business Cycle Research), 1rd edition,Princeton- NJ, Princeton University Press,1995.

– Ghisetti, Claudia; Mancinelli, Susanna; Mazzanti, Massimiliano; Zoli, Mariangela,«Financial barriers and environmental innovations evidence from EU manufacturing firms», Climate Policy Taylor & Francis Journals,No.17, 2017.

– Guadalupe, Maria; Perez-Gonzalez, Francisco,« Competition and Private Benefits of Control (AFA 2007 Chicago Meetings Paper)», Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=890814> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.890814>,2010.

– Guadalupe, Maria; Pérez-González, Francisco, «The impact of product market competition on private benefits of control», Hi-Stat Discussion Paper Series Institute of Economic Research Hitotsubashi University 2006.

– Nakano, K T; Fujii, S,« An Empirical Analysis of National Economic Resilience Using Macroeconomic Data Before and After the Global Financial Crisis», Available

اولین همایش الکترونیکی ملی چشم‌انداز اقتصاد ایران، ۲۸ آذرماه ۱۳۹۲.

– می‌دری، احمد، «رفع تضاد منافع بخش‌های بانکی و تولیدی در الگوهای مختلف بانکداری»، مجله مجلس و راهبرد، شماره ۷۵، ۱۳۹۲.

لاتین

– Basel Committee on Banking Supervision (Basel BCBS),« Sound Practices for the Management and Supervision of Operational Risk Basel», <http://www.bis.org/publ/bcbs96.htm> 2001.

– Benedikter, Roland, Social banking and social finance In Social banking and social finance, 2th Edition, New York, Publisher Springer, 2011.

– Branson, William H, Theory and policies of, 3rd edition, New York, Publisher Harper & Row.2007.

– Briguglio, Lino, and Stephen, Piccinino,« Growth and Resilience in East Asia and The Impact of The 2009 Global Recession», Available at: <http://www.um.edu.mt>,2009.

– Calvo, Guillermo A,«Staggered Price setting in a Utility- Maximizing Framework», Journal of Monetary Economics,No.3, 1983.

– Christopoulos, Dimitris K, «Financial Development and Economic Growth Evidence from

at: <http://trans.kuciv.kyoto-u.ac.jp>,2011.

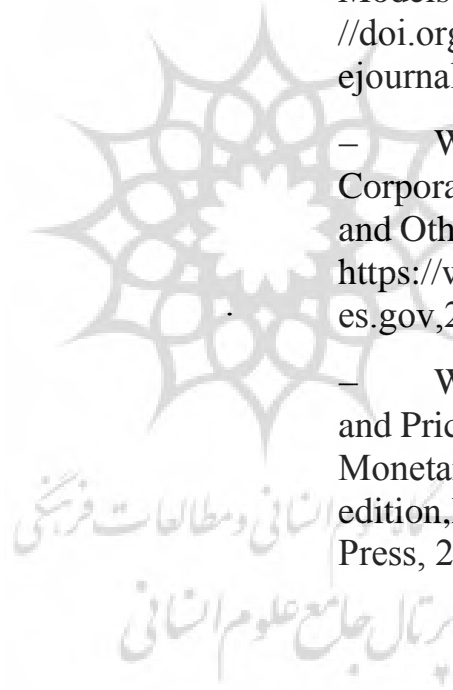
– OECD, (Organisation for Economic Co-operation and Development), Principles of Corporate Governance, 1rd edition, Paris, OECD Publications Service,2004.

– Solomon, Jill , Corporate governance and accountability, 5rd edition, UK, Publisher John Wiley & Sons,2007.

– Tovar, Camilo Ernesto,« DSGE Models and Central Banks», <https://doi.org/10.5018/economics-ejournal.ja>,2009

– Walker, David, «A Review of Corporate Governance in UK Banks and Other Financial Industry Entities», <https://webarchive.nationalarchives.gov>,2009.

– Woodford, Michael, Interest and Prices: Foundations of a Theory of Monetary Policy,2rd edition,Princeton,Princeton University Press, 2003.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی